

در جست و جوی بن لادن / آشنایی با
بن لادن و سازمان القاعده

در جست و جوی بن لادن/ آشنایی با بن لادن و سازمان القاعده

اسامه بن محمد بن عواد بن لادن، توانست با کمک عبدالله عزام گروهی را به نام القاعده تشکیل دهند این گروه که بیشتر از مجاهدین عربی تشکیل شده بود که برای مبارزه با شوروی به افغانستان مهاجرت کرده بودند لذا در این بین بن لادن از افرادی چون ایمن الظواهری متأثر شده بود که در این مقاله به تاریخچه و افکار و عقاید القاعده اشاره دارد.

سخن درباره بن لادن و آنچه به نام او در جهان رخ داد، سخن درخصوص یک فرد مشخص نیست که بتوان تاریخ جامع و نکته به نکته آن را بیان کرد. آنچه با عنوان واقعه یازدهم سپتامبر به وقوع پیوست چنان عجیب بود که راه را برای درآمیختن حقیقت و افسانه باز کرد و این امر ناشی از وجود ابهام در لایه های زیرین این رویداد تاریخی است. این حادثه بستر مناسبی برای طرح آرا و نظرات گوناگون فراهم آورد. نگاهی گذرا به کتاب هایی که پیرامون آن نگاشته شده نشان می دهد که این واقعه تا چه حد دنیا را به تامل واداشته است.

در ایران نیز آثار فراوانی بیشتر به صورت مقاله عرضه شده است، که به دلیل شتاب و اختصار هیچ یک نتوانسته اند تحقیق منظمی را در این خصوص ارائه دهند. بیشتر این آثار شامل تألیف، ترجمه و یا تدوین همان اخبار و روایاتی هستند که در رسانه های ارتباط جمعی آمده است. به ویژه پس از حمله امریکا به افغانستان و تصرف این کشور، نگاشته های فراوانی با جهت گیری های خاص در این زمینه صورت گرفت که در مجموع از غبار ابهامی که افکار عمومی جهان را در مورد اجرای 11 سپتامبر در برگرفته، چیزی نکاست. امروزه با توجه به کار مشابهی که صدام حسین در تحقق سیاست های امپریالیستی امریکا و صهیونیسم انجام داد و زمینه های تصرف قلب خاورمیانه توسط امریکا را فراهم ساخت، نقش بن لادن در اشغال افغانستان توسط امریکا روشن تر می گردد. بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان شواهد و قرائن کافی برای آشکار نمودن جایگاه بن لادن و صدام حسین در به انجام رسیدن مقاصد توسعه طلبانه امریکا ارائه کرده اند و شاید برای بسیاری از مردم دنیا هم روشن شده باشد که این دو همکار و دوست سازمان های اطلاعاتی امریکا این بهای گزاف را از مردم عراق و افغانستان به عنوان بخشی از ماموریت و خدمات خود ستانده اند. مقاله زیر را مطالعه فرمائید تا با زندگی و فعالیت ها و اقدامات اسامه بن لادن بیشتر آشنا شوید.

اسامه بن محمد بن عواد بن لادن، در سال 1957م (1336 ش) در «المَلَز» نزدیکی های ریاض — پایتخت کنونی عربستان — دیده به جهان گشود. البته عده ای هم تولد او را در سال 1955 می دانند. (1) اسامه هفدهمین پسر از 54 فرزند شیخ محمد بن لادن است. پدرش که اهل حَضْر موت یمن بود، در حکومت پادشاهی سعودی توانست خود را از باربری در بندر جده به صاحب بزرگترین شرکت ساختمانی و راهسازی عربستان برساند.

تمام فرزندان شیخ؛ موظف به رعایت برنامه روزانه ای بودند که پدر تنظیم کرده بود و گاهی بنا به خواست پدر، عهده دار مدیریت برخی از پروژه ها می شدند.

مادرش اهل سوریه (یا عربستان) و دهمین همسر شیخ بوده است و خود اسامه تنها پسر این مادر و کوچکترین پسر خاندان بن لادن می باشد. (2)

اسامه را با اسامی مستعاری نظیر بن لادن، شاهزاده، امیر، عبدالله، مجاهد، شیخ، حاجی و رییس می شناسند. (3) و این علاوه بر القابی نظیر اسامه قهرمان، اسامه قاتل، اسامه مسیح، اسامه ضد تمدن، اسامه متفکر، اسامه عقب مانده، اسامه پاک، اسامه جنایتکار و... است که به او داده اند. (4)

وی قدی حدود 188 سانتی متر، موهایی قهوه ای رنگ و وزنی در حدود 75 کیلوگرم دارد. (5) اما به گفته برخی منابع این اواخر به خاطر استفاده فراوان از عسل و روغن زیتون، کمی اضافه وزن پیدا کرده است. او ظاهری لاغر و پوستی گندمگون داشته، چپ دست بوده، از عصا استفاده می کند و از بیماری کلیه رنج می برد. (6)

دوران کودکی اسامه در مدینه سپری شد؛ اما پس از مدتی خانواده اش به جدّه رفتند و او تحصیلاتش را در آن شهر ادامه داد تا این که توانست در سال 1979 در رشته اقتصاد و مدیریت دولتی از دانشگاه ملک عبدالعزیز فارغ التحصیل شود.

تا این زمان حادثه مهم و غیرمترقبه ای در زندگی اسامه رخ نداده بود، حتی آثار اسلام گرایی نیز در وجود او هویدا نبود. چنانچه معلم انگلیسی اش می گوید: «اسامه در آن زمان برخلاف الان چندان متعصب نبود.» (7) البته گفته می شود پدر اسامه فردی دیندار و منظم بوده و سعی کرده فرزندان خود را بر مبنای اصول اسلامی پرورش دهد. با این حال علاوه بر محیط دینی و خانواده پولدار وی، محافل دانشجویی تاثیر بیشتری بر روح اسامه گذاشته است. اگرچه در این دوران نیز او به صورت رسمی وارد هیچ یک از گروه های اسلامی نگردید.

اولین پیوند اسامه با گروه های اصول گرای اسلامی به سال 1973 برمی گردد. (8) این گروه ها را همکلاسی ها و هم دانشگاهی های وابسته به سازمان «اخوان المسلمین» تشکیل می دادند. او در همین دوران با «جماعت اسلامی» آشنا می شود.

رابطه نزدیک خاندان بن لادن با کاخ سلطنتی و نیز دوستی اسامه با بسیاری از شاهزادگان، از جمله عوامل اصلی شکل دهنده شخصیت و کارهای بن لادن است. اسامه مورد اعتماد ویژه مقام های عربستان و محرم شاهزاده ترکی فیصل — رییس سازمان اطلاعات — بود. در سال های نخست دهه 1990 پیوندهای او با این شاهزاده سعودی چنان محکم بود که سازمان های اطلاعاتی خارجی، به ویژه سازمان های جاسوسی اسرائیلی، او را از ماموران سعودی و حتی از مدیران سازمان اطلاعات سعودی می انگاشتند. (9) از سوی دیگر، وفاداری خانواده بن لادن به پادشاهی آل سعود ایجاب می کرد که اسامه در پیشبرد برنامه ها و اهداف پنهان دولت سعودی نقش بسزایی داشته باشد. (10) (در این خصوص بیشتر بحث خواهد شد)

اما کسانی که تمام این احساسات و اطلاعات خام و بی جهت را ساماندهی کرده و به افکار، آمال و خواسته های اسامه سمت و سوی می بخشند، محمد قطب و عبدالله عزام از استادان آن وقت دانشگاه هستند. محمد قطب با آن که هنوز زنده می باشد و در ادامه افکار و اندیشه های سابق خود که بیشتر تفسیر و تبیین آرای برادرش، سید قطب است کار می کند، هرگز نتوانست همانند دکتر عبدالله عزام روح و عملکرد اسامه را تحت تاثیر قرار دهد. محمد عتوب نیز از جمله نویسندگان مسلمانی است که بر افکار اسامه تاثیر گذار بوده است.

عبدالله عزام به سال 1941 در فلسطین به دنیا آمد. او مهارت خاصی در سخنوری داشت، توانایی مدیریت و دانش بالای نظامی او بر کسی پوشیده نیست. اسامه در زمان اقامت عزام در جدّه، با اندیشه های وی آشنا گردید و به شدت تحت تاثیر افکار او قرار گرفت. عبدالله در

گسترش فعالیت گروه های مسلح افغانستان به خارج از مرزها و به کل دنیا سهم بسزایی داشت. او به همراه دو پسرش در انفجار بزرگ در پیشاور سال 1989 کشته شد. (11)

از عوامل موثر دیگر در شکل گیری افکار و اندیشه های اسامه، مهمانان مختلفی بودند که در ایام حج به خانه وی دعوت می شدند. این دید و بازدیدها بستر مناسبی را برای آشنایی با افکار و عقاید شخصیت های سرشناس پدید می آورد. دوستان زیادی که او در این گونه مجالس پیدا کرد از جمله عوامل مهم نفوذ افکار اسامه در مناطق مختلف جهان و دنیای اسلام می باشند؛ به ویژه آن که بسیاری از این مهمانان، طلاب، علمای دینی و اعضای جنبش های اسلامی بودند.

همه این موارد شخصیت اسامه را به نحو خاصی شکل داد و باعث گردید که او گامی فراتر از کارها و مشغولیت های خانوادگی خود بردارد. اگرچه بن لادن باید راه خانوادگی خود را ادامه می داد و مانند آنها در اداره شرکت ها، کارخانه ها و بازارهای بورس و... فعالیت می کرد، اما وی راه دیگری را در پیش گرفت و یا شاید اسامه را برای کار دیگری در نظر گرفته بودند. خود او در سال 1995 به گونه ای مبهم عنوان می کند وقتی دولت سعودی تصمیم به حمایت از مقاومت اسلامی افغانستان گرفت به «خانواده وی» رو آورد. (12)

در 27 دسامبر سال 1979 نیروهای شوروی به افغانستان حمله کردند. این امر موجب مهاجرت تعداد زیادی از اعضای گروه های مسلح افغانی به پاکستان شد. دولت پاکستان اجازه ادامه فعالیت را به آنان داد و همین امر باعث گردید اعراب بسیاری بر مبنای این عقیده که جنگ با روسیه به مثابه جهاد با کمونیسم است؛ جذب این حرکت شوند.

اسامه بن لادن دو هفته پس از اشغال افغانستان به پاکستان رفت. او در این سفر مهمان دو تن از رهبران افغانی به نام های برهان الدین ربانی و سیاف بود که در همان مهمانی های ایام حج با یکدیگر دوست و آشنا شده بودند.

برخورد دوباره اسامه با عبدالله عزام در همین اوضاع و احوال بود. عزام که در آن روزها استاد دانشگاه اسلامی بین المللی بود، توانست زمینه دوستی با اسامه را فراهم کرده و او را به عضویت یکی از گروه های مسلح افغانی درآورد. دوستی آنها بعدها پایه های اصلی القاعده را به وجود آورد و این دو از بنیانگذاران اصلی «بریگارد عرب در افغانستان» شدند.

اسامه پس از این سفر به عربستان بازگشت و توانست توجه و حمایت خانواده و بسیاری از دوستان خود را برای کمک به مبارزان افغانی جلب نماید. البته خود آنها نیز اقدامات افغانی ها را نوعی جهاد مقدس علیه کفر و الحاد می دانستند و سخاوتمندانه هم کمک می کردند. اسامه به همراه چند تن از افغانی ها و پاکستانی هایی که در شرکت های بن لادن کار می کردند، به پاکستان رفت و این بار حدود یک ماه در مرز افغانستان و پاکستان اقامت گزید. او در سال 1982 وارد خاک افغانستان گردید و با تجهیزات عظیم ساختمانی و راهسازی که سفیر عربستان در پاکستان (13) در اختیارش گذاشته بود، مشغول راهسازی، سنگرسازی، احداث تونل و بیمارستان های صحرائی در افغانستان شد. شاید به همین خاطر بود که عده ای بن لادن را فارغ التحصیل مهندسی عمران می دانستند.

سفر اسامه و دوستی او با رییس سازمان اطلاعات عربستان؛ دری را برای سرانیز شدن پول های هنگفت عربستان به روی جهاد افغانستان باز کرد. امریکا که از مدت ها قبل به وسیله سازمان سیا با گروه های مسلح افغانی رابطه داشت مسوولیت تدارک سلاح های مورد نیاز آنها I.S.I را بر عهده گرفت. سازمان اطلاعات پاکستان — تمام کارهای ارتباطی C.I.A با افغانستان را انجام می داد و حتی اسلحه و مهمات را نیز در اختیار مجاهدان افغانی می

گذاشت. (14) (در مورد نقش امریکا و رابطه آن با اسامه نیز سخن خواهیم گفت) اگر چه در اوایل اسامه وارد جنگ نشد، و تنها به ارائه کمک های خود از طریق حزب جماعت اسلامی اکتفا می کرد، اما بعدها توسط عبدالله عزام از این حال و هوا خارج شد و به افغانستان رفت و در آنجا به یک مبارز و فرمانده جسور مبدل گردید. (15)

در سال 1984، «بیت الانصار» یا «خانه یاران» را به عنوان نخستین قرارگاه مجاهدان عرب در پیشاور تاسیس کرد و تا سال 1986 توانست 6 قرارگاه دیگر را هم بسازد. با توجه به وجود نظامیان ارشد سوری و مصری که تحت امر اسامه بودند، او تمایل داشت عملیات نظامی با فرماندهی کامل وی انجام شود. البته بن لادن، از همان آغاز ورود به افغانستان، توجه خاصی به تشکیلات نشان می داد و آنچه این روحیه را در او به شکوفایی رساند، تحصیلات دانشگاهی شخصیت اقتصادی خانوادگی و نظام فعالیت های آنها بود. همین مساله در سازمان دهی به فعالیت های گسترده و متنوع اقتصادی یاران بن لادن در سطح جهانی نیز به وضوح دیده می شود.

بن لادن به منظور ایجاد اشتیاق در داوطلبان عرب و نیز برای جلوگیری از نفوذ این روحیه در افراد دیگر، به دستور (و یا با مشورت) استاد خود — عبدالله عزام — برای آنها اردوگاه جداگانه ای ساخت و نام آن را «مأسدة الانصار» یا «خانه شیر» یا «قلعه شیر» گذارد.

تمام این حوادث پیش درآمد تشکیل پروژه اصلی بن لادن، یعنی تاسیس سازمان «القاعده»، می باشد. اسامه پیش از تشکیل مأسدة الانصار نیز در دفتر ارائه خدمت به داوطلبانی که برای جهاد با شوروی به افغانستان آمده بودند، همراه با عبدالله عزام کار می کرد. این دفتر با نشان اختصاری MAK همان «مکتبة الخدمة» است که مقر آن در پیشاور می باشد. با توجه به لزوم تفکیک قوا که شاید به منظور تفکیک نخبگان از دیگران صورت گرفته باشد، و همچنین دانش مدیریتی عزام، ثروت بن لادن و تجارب موفق او در زمینه اقتصاد و اداره مراکز تجاری و اقتصادی؛ این اندیشه را به ذهن آن دو متبادر کرد که در پی بنیان نهادن سیستمی باشند که در آینده باید به ثمر بنشیند. این اندیشه که جنگ با شوروی تمام نمی شود، اندکی دور از ذهن می نمود؛ اما این که آیا تجربه ای مانند این جنگ در جایی دیگر از جهان اسلام رخ خواهد داد، آنان را وادار به تاسیس سازمانی زیربنایی با افرادی زبده و مجرب کرد؛ شاید کلمه «القاعده» که به معنی پایه، اساس، بنیان، اصل، زیرساخت، زیربنا و کلماتی نظیر این واژگان است، بیانگر این دیدگاه رو به آینده عبدالله عزام و هم‌رزم جوانش باشد.

اسامه در سال 1988 به منظور سامان دهی فعالیت های نظامی و آموزشی خود، به پیشنهاد ابوعبیده مصری معروف به «پنجشیری»، از اعضای مهم جماعت اسلامی مصر و از فعالان افغانستان، سازمان القاعده را تاسیس کرد. این سازمان به سرعت با دیگر گروه های مسلح ارتباط برقرار کرد. امریکا به منظور جلوگیری از نفوذ بیشتر کمونیسم ضمن برقراری ارتباط با بن لادن به این سازمان نیز کمک های شایانی کرده است.

آنچه باعث اعتبار بن لادن در میان مجاهدان شده، تنها پول و سرمایه او نیست، بلکه ریشه سعودی او یک منفعت روانی برای وی به شمار می رود؛ شاید اگر اسامه ملیت سعودی نداشت؛ این مقبولیت را به ویژه در افغانستان و پاکستان به دست نمی آورد.

فتوای ایمن الظواهری درباره عمر عبدالرحمن عامل موثری در گسترش فعالیت القاعده و شخص بن لادن محسوب می شود. توانمندی های منحصر به فرد بن لادن به ویژه در جذب پیروانش، ارتباط با نظام پادشاهی سعودی، علمای دینی و بازارهای اقتصادی و نیز ثروت سرشار او که دست کم در زمینه همسوکردن ماموران برخی کشورها به کار می رفت و یا امکان تجهیزشدن

به برخی امکانات مدرن را فراهم می ساخت، همه و همه از زمینه های تقویت القاعده بودند. القاعده؛ این سازمان چند ملیتی، با در اختیار داشتن یک تیم رهبری با استعداد و موثر که دسته ای از آنها علاوه بر حضور در این سازمان به عنوان نیروهای ارشد، رهبری گروه های دیگر (مانند «جماعة الاسلامیة» و «الجهاد مصر») را نیز در دست دارند، جایگاه و اعتبار خاصی پیدا کرد. از سوی دیگر پس از کشته شدن عبدالله عزام، مکتبة الخدمة (Maktabat Alkhidmat) یا MAK که از چندی پیش فعالیت خود را در افغانستان محدود کرده بود، از هم پاشید و بسیاری از نیروها و اعضای آن جذب القاعده شدند.

در مورد هرم تشکیلاتی القاعده باید گفت که اسامه در صدر گروه و رهبر آن به شمار می رود. پس از او مجلس الشورا قرار دارد که تمامی دستورات و نقشه های عملیاتی در این قسمت طراحی می شوند. اسامه و محمد عاطف — معاون او — از اعضای ثابت این مجلس هستند. کمیته های چهارگانه نظامی، عقیدتی — حقوقی، مالی و تبلیغاتی، فعالیت های خود را به این مجلس گزارش می دهند.

اعضای این کمیته ها و به ویژه کمیته نظامی، متعهد شده اند فعالیت هایشان به صورت مخفی و در کمال رازداری باشد. ساختار نظامی القاعده «خوشه انگوری» است؛ یعنی گروه ها به موازات هم و به طور مستقل عمل می کنند. به قسمی که هرگز یکدیگر را نمی شناسند و اگر یکی از آنها شناسایی شود، دیگران در امان خواهند بود.

القاعده از طریق ثروت بن لادن و کمک سرمایه داران برخی کشورها تامین مالی می شد. هر فردی که پس از گزینش به القاعده می پیوست، علاوه بر مسکن، ماهیانه مبلغ 150 دلار نیز دریافت می کرد زیرا بن لادن معتقد بود:

«مسلمانانی که به ما مراجعه می کنند، باید تحت حمایت قرار بگیرند و بهتر است از ما کمک بگیرند؛ تا این که به سراغ کفار بروند.» (16)

گزینش افراد در القاعده، به سختی صورت می گرفت. آنها پس از انتخاب توسط نمایندگان بن لادن، به پیشاور پاکستان می رفتند و در آنجا پاسپورت، پول نقد و دیگر مدارک مورد نیاز خود را دریافت می کردند. سپس به منظور بررسی سوابق و پیشینه؛ به مدت دو هفته در پاکستان می ماندند و پس از گزینش برای یادگیری مهارت ها و استراتژی نظامی، در یک اردوگاه آموزشی در افغانستان حاضر می شدند. از آن به بعد آموزش ها شروع می شد. با اتمام دوره های آموزش نظامی به یک سلول چهار یا پنج چریکی ملحق شده و منتظر دستور می ماندند.

نفوذ ایمن الظواهری در بن لادن

پیشتر در باب عبدالله عزام و افراد و شرایطی که بن لادن را تحت تاثیر قرار دادند سخن گفتیم؛ اکنون جا دارد درباره فرد موثری که برخی تحلیل گران او را بازوی راست اسامه و وارث سازمان القاعده می دانند، سخن بگوییم. این شخص که هنوز هم بر روح و رفتار بن لادن تاثیرگذار است، دکتر ایمن ربیع الظواهری 47 ساله و یک پزشک مصری است.

ظواهری در ماجرای ترور انورسادات متهم گردید؛ اما بعدها به دلیل حاشیه ای بودن نقش او تنها به جرم حمل غیرقانونی سلاح به سه سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان ابتدا به عربستان و سپس به پیشاور رفت. او به زبان انگلیسی تسلط دارد، در امور تشکیلاتی رشد سریعی داشته و پس از کسب مقام سخنگویی سازمان جهاد اسلامی مصر خیلی زود به رهبری آن رسید. (17)

ظواهری ضمن دوستی و رفاقت با اسامه، او را از سیستم تشکیلاتی سازمان های مصری آگاه می کرد و این امر علاوه بر تاثیری که عبدالله عزام از طریق تعالیم و تحصیلات خود می گذاشت،

زمینه گسترش قدرت اسامه را فراهم می کرد. از این گذشته، فتوای ظواهری درباره وضعیت عمر عبدالرحمان و عبود الزمر که به خاطر زندانی بودن نمی توانستند به صورت مستقیم در صحنه حضور داشته باشند، زمینه رهبری بن لادن را هموار می ساخت.

اسامه در ایامی دیگر

با پایان یافتن جنگ در افغانستان؛ بسیاری از افرادی که در کنار اسامه بودند، به سرزمین خود بازگشتند.

بعد از جنگ افغانستان؛ خود بن لادن هم که به عربستان برگشته بود، به حمایت از گروه های مخالف در عربستان و یمن ادامه داد و با تشکیل «انجمن جهاد» به پشتیبانی از گروه هایی مانند جماعت اسلامی مصر، جهاد یمن، مجمع الحدیث پاکستان، لیگ پارتیزان های لبنان، جماعت اسلامی لیبی، بیعة الامام اردن، جماعت اسلامی الجزایر و... پرداخت.

در آن زمان که اسامه در افغانستان به سر می برد، رفته رفته افراد و گروه های محدود و وفاداری در اطراف او پدید آمد که آماده هر نوع از خودگذشتگی در راه عملی کردن اهداف و مقاصد اسامه بودند. (18) بعدها تعدادی از این یاران در خارج از افغانستان دست به فعالیت زدند. به عنوان مثال 1800 نفر از 2500 نفر الجزایری که در القاعده بودند، پس از جنگ افغانستان به کشور خود بازگشتند و گروه های معارض را تشکیل دادند. 200 نفر به نیویورک و نیوجرسی رفته و به شیخ عمر عبدالرحمان پیوستند. بقیه نیز به جنگ با روس ها در تاجیکستان ادامه دادند و گروهی دیگر هم در جنگ بوسنی و چچن شرکت کردند.

امریکایی ها می آیند!

بعد از حمله عراق به کویت؛ اسامه درباره ایجاد سپر دفاعی لازم در برابر حمله احتمالی صدام طرح هایی به مقامات سعودی ارائه کرد، اما طرح و برنامه های او نادیده گرفته شد. اسامه به ایراد خطبه و سخنرانی پرداخت. این کار او خشم آل سعود را برانگیخت، بدین خاطر او را از این گونه برنامه ها نیز باز داشتند. از این رو، اسامه تصمیم گرفت به جای حکام و رجال سیاسی، مخاطبان خود را در میان طلاب و علمای دینی بیابد.

وی موفق گردید فتوایی مبنی بر شرعی بودن فراگیری آموزش های جنگی و نظامی از یکی از علمای بزرگ سعودی بگیرد. او بلافاصله فتوا را منتشر کرد و توانست حدود 4000 نفر را برای یادگیری فنون نظامی در افغانستان جمع کند. به دلیل این گونه فعالیت ها، حکومت سعودی او را از جده ممنوع الخروج کرد، اسامه چندین بار مورد بازجویی قرار گرفت و مزرعه اش در حومه جده به دست گارد ملی تخریب شد.

اسامه که از وضعیت خود خسته شده بود؛ تصمیم به خروج از کشور گرفت. به همین منظور توانست با متقاعد کردن یکی از برادرانش که دوستی نزدیکی با ملک فهد و شاهزاده احمد - معاون وزیر کشور - داشت، اجازه انجام یک سفر تجاری به پاکستان را بگیرد، اما شاهزاده نایف - وزیر کشور - مانع بزرگ این سفر به شمار می رفت. و تنها با خروج این شاهزاده از کشور، امکان خروج او نیز میسر می گردید که همین طور هم شد.

اسامه در آوریل سال 1991 به پاکستان رفت و در آنجا از طریق نامه ای به برادرش اطلاع داد که دیگر به کشور خود باز نمی گردد. اقامت او در پاکستان کوتاه بود و خیلی زود راهی افغانستان شد، زیرا می دانست دولت پاکستان او را دستگیر کرده و به عربستان تحویل خواهد داد. در این دوران نیز بارها سعی شد اسامه، ترور یا ربوده شود.

شاید ناگوار بودن اوضاع و نابسامان بودن شرایط؛ فعالیت در افغانستان را نیز برای اسامه ناخوشایند کرده بود، گویی اوضاع با ماندن در عربستان و پاکستان تفاوت چندانی نداشت و او

نمی توانست درخصوص این شوک عظیم که «امریکایی ها می آیند» کاری انجام دهد. از این رو با ظاهری مبدل و به وسیله هواپیمای شخصی خود به سودان رفت؛ زیرا به گفته خودش در این ایام به دنبال یک کشور کاملاً اسلامی می گشت و به همین دلیل راه سودان را در پیش گرفت. در سودان به کارهای عمرانی از جمله راه سازی و امور کشاورزی پرداخت و حتی در جواب یک خبرنگار غربی که با او مصاحبه کرد، گفت: «من یک کشاورز ساده هستم.» (19)

بن لادن هنگام اقامت در سودان توانست از طریق هزاران هکتار زمین حاصل خیزی که دولت در اختیار او قرار داده بود، و نیز با استفاده از امتیاز معافیت گمرکی، به صادرات میوه، ذرت، آفتابگردان و صمغ پردازد. (20) او سودان را یک کشور کاملاً اسلامی می دانست. از این رو سرمایه گذاری های عمده ای را در آن کشور انجام داد و حتی توانست بازرگانان و تجار بزرگی از عربستان (و از جمله چند تن از برادران خود) را به سرمایه گذاری در آن کشور تشویق کند.

بن لادن در یازدهم ژوئیه سال 1994 در بیانیه ای که در لندن منتشر شد، اعلام کرد براساس پیشنهاد «هیات نصیحت و اصلاح» و به منظور توسعه فعالیت ها، تسهیل ارتباط با مردم و دریافت نامه ها و شکایات، دفتری را در لندن تاسیس کرده است. (21)

با گذشت کمتر از یک سال از صدور این بیانیه، گروه های عربی کنفرانسی را با حضور 400 نماینده تشکیل دادند. نظیر این کنفرانس در سال 1991 و با عنوان «کنفرانس ملی عربی — اسلامی» برگزار شده بود که یاسر عرفات و حواتمه — یکی از رهبران فلسطینی — نیز در آن شرکت داشتند اما کنفرانس یکم آوریل 1995 در خارطوم، رنگ و بوی دیگری داشت و در آن دکتر حسن ترابی و اسامه بن لادن نیز شرکت کردند (حسن ترابی چندی پیش از حادثه 11 سپتامبر نیز حضوری مرموز در امریکا داشت).

اهمیت این کنفرانس برای غرب به حدی بود که رادیو B.B.C در تفسیری درباره آن گفت: «جهان می تواند تا سه روز آسوده باشد، چون تمام تروریست ها هم اکنون در خارطوم گرد آمده اند.» (22)

نکته قابل تامل در این کنفرانس، سکوت و خاموشی اسامه بود؛ گویا از محور مباحث و گفت وگوها رضایت چندانی نداشت یا...؟

لغو تابعیت بن لادن

به دلیل این گونه فعالیت ها و کارهای دیگری که هنوز چند و چون آنها به طور کامل مشخص نیست، دولت عربستان در سال 1994 و به دستور شخص ملک فهد، تابعیت سعودی اسامه را لغو کرد. دو سال قبل از این تاریخ نیز اموال او در عربستان توقیف گردید. اسامه نیز در پاسخ به این اقدامات بیانیه ای صادر کرد و در آن، آل سعود را خائن و سرسپرده امریکا خواند و گفت نیازی به تابعیت سعودی ندارد و برای تایید یا رد افراد توسط آل سعود ارزشی قائل نیست. (23) البته گویا دولت عربستان بارها خواسته بود با پا درمیانی افراد سرشناس؛ اسامه را قانع کند کمی آرامتر باشد و حتی به گفته خود اسامه 9 بار مادر، دایی و برادرانش را به خارطوم فرستاده و از او خواسته بودند با توقف فعالیت هایش، به عربستان بازگشته و از ملک فهد عذرخواهی کند. (24)

به دلیل فشارهای بین المللی بر سودان، این دولت از اسامه خواست که سودان را ترک کند و او به ناچار در اوایل سال 1996، آن کشور را به قصد جلال آباد افغانستان ترک کرد. (25)

در افغانستان اوضاع به گونه دیگری بود. اینک شرایط به طور کامل عوض شده بود. در این زمان جنبش طالبان با حمایت قاطع امریکا توانست به صورت چشمگیری، ائتلاف مسعود — ربانی — حکمیتار را به عقب براند. این حوادث مقارن ورود دوباره بن لادن به افغانستان بود. او

به عنوان مهمان به سراغ یک فرمانده نظامی افغانی به نام «مهندس محمود» رفت. این فرد پل ارتباطی میان بن لادن و طالبان شد. پس از ترور مهندس محمود، بن لادن با طالبان وارد مذاکره گردید و حمایت خود را از آنان اعلام کرد. طالبان نیز از این امر استقبال کرد (26) و این سرآغاز ارتباط میان بن لادن، ملا عمر و جنبش طالبان بود.

اکنون به خانه بن لادن سری می زنیم تا ببینیم در آن خانه که ورود به آن رویای بزرگی برای بسیاری از کنجکاوان جهان شده است چه می گذرد.

غربی ها خانه بن لادن در افغانستان را «غار خفاش» می نامند. این خانه «سنگی» که به دست طرفدارانش در دل کوه ها ساخته شده، محل برنامه ریزی های بن لادن علیه غرب است. غربی ها این خانه را پناهگاه (Hideout) می نامند. خانه بن لادن سه اتاق دارد: در یکی از آنها کامپیوترها، دوربینهای فعال و تلفن های ماهواره ای به چشم می خورد. دومی دفتر کار و دیگری اتاق خواب است. او از طریق شبکه های ارتباطی و پست الکترونیک دستوراتش را برای طرفداران خود در خاورمیانه، آسیا، آفریقا و آمریکا ارسال می کند.

او در این غار که کمی بالاتر از شهر جلال آباد در شرق افغانستان است، با یک تیربار کلاشینکف روسی دیده می شود. در غار بن لادن، یک کتابخانه نیز وجود دارد.

پیشتر درباره القاعده و ویژگی های آن سخن گفتیم. لکن جای آن دارد به بخش دیگری از خصوصیات این سازمان اشاره کنیم شاید بهتر باشد پیش از آن درخصوص خاستگاه فکری و کلامی سازمان هایی از نسل و نژاد القاعده تامل شود.

اگر تاکید بن لادن بر آزادی این سرزمین ریشه در عرق ملی او داشته باشد از این اندیشه سرچشمه می گیرد که «کارها به شیوه سلف» انجام می پذیرد. بنابراین طبیعی است که او اهدافی نظیر آنچه گروه های «الجهاد» و «جماعة الاسلامیه» مصر دنبال می کنند را قبول نکند (هر چند تحت رهبری کسانی نظیر شیخ عمر عبدالرحمان ایمن الظواهری باشد) زیرا اهداف آنان جزئی، مشخص و معین است و در اوج خود به کشتن یک رئیس جمهور یا فراهم کردن زمینه اعتراض مردم محدود می شود. در عین حال آنچه مسلم است، بن لادن و القاعده فاقد تئوری و اندیشه منسجم و قابل ارائه است و از هیچ گونه عقبه فکری متقن برخوردار نیست و لذا همه فعالیت های او عمدتاً بر یک مبنای فکری سطحی و بی عمق استوار شده است.

شاید در اینجا نیز تجارب اقتصادی و ایده های مدیریتی بن لادن این احساس را پدید آورده باشد که کارگاه های کوچک و پرهزینه را حذف کند و به جای آن در کارخانه های عظیم و سودآور سرمایه گذاری کند. او به شدت رهبران الجهاد و جماعة الاسلامیه را مورد انتقاد و فشار قرار داد تا از این گونه کارها دست بردارند. رهبران این دو جماعت نیز که در آن زمان خارج از مصر فعالیت داشتند، توافق کردند که رهبری این دو جماعت به اسامه واگذار شود. همین امر باعث گردید تشکیلات کلی در کنار القاعده، به وجود بیاید که اسامه آن را «جبهه مبارزه اسلام گرایان علیه یهودیان و صلیبیان» نامید. (27)

آنچه در این توافق از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ صعود ایمن الظواهری به رهبری سازمان الجهاد بود که پس از تحولاتی انجام پذیرفت و به صورت یکی از دوستان نزدیک اسامه درآمد. عمر عبدالرحمن نیز که به اتهام دست داشتن در تخریب مرکز تجارت جهانی (1993) زندانی شده بود، از سمت خود استعفا داد.

مساله مهم این است که در سال 1998 رهبری سازمان و تاکتیک گروه های جهاد، دستخوش تغییراتی گردید؛ از جمله این که به جای «انتخاب موضوع» فهرست بلند بالایی از «اهداف مفید برای ترور» تهیه شد. و همین مساله، در کنار اتحاد افراد و تاکتیک آنها موجب افزایش قابل توجه

ترورها گردیده و به صورت ریشه ای شدن مساله ترور بین المللی جهاد گرایان درآمد. (28)
اتحاد این دو سازمان با القاعده، بستر مناسبی برای جلب حمایت دوستان بسیار این سازمان
ها و به ویژه مصری ها را فراهم آورد که این امر نیز به نوبه خود در توسعه و گسترش چشمگیر
آن موثر بود.

مشخصات کلی منابع و ماخذ

کیست

خسروی

پی نوشت ها

- 1_ کیست، ص 41.
- 2_ همان، ص 15.
- 3_ خسروی 37_ 38.
- 4_ کیست، ص 11.
- 5_ همان، ص 42.
- 6_ همان.
- 7_ همان.
- 8_ محمدعلی صالح، کمال قبیسی: المطلوب رقم واحد فی العالم، مجمله المجله ص 18، شماره 986، 30/آب/ 1998 م.
- 9_ بریزار، ژان شارل و داسکيه گیوم: بن لادن حقیقت ممنوع، ترجمه دکتر حامد فولادوند، چاپ اول، نشر عطایی، تهران 1381، ص 112.
- 10_ همان.
- 11_ خسروی، ص 87.
- 12_ فولادوند، همان، ص 112.
- 13_ کیست، ص 52.
- 14_ همان، ص 45.
- 15_ همان، ص 51.
- 16_ خسروی، ص 90.
- 17_ أخبار الحوادث المصرية (مجله) 27/آب/ 1998.
- 18_ النهار: 21/8/ 1998 م.
- 19_ النهار: 21/8/ 1998.
- 20_ خسروی، ص 27.
- 21_ ژوزالیوسف (مجله مصری) 6/2/ 1995.
- 22_ الوسط (مجله) 10/4/ 1995.
- 23_ خسروی 228.
- 24_ گفت وگو با C.N.N. مارس 1997.
- 25_ خسروی، همان.
- 26_ الحوادث (مجله لبنانی) ص 22، 11/4/ 1997.
- 27_ کیست، صص 65_ 66.
- 28_ همان، صص 66_ 67.